

الشَّرْعُ أَوْ عَمَّا يَقْتَضِيَانِ حَبْسَهَا عَنْهُ.^۱

صبر، عبارت است از خودنگهداری در تنگنا... در بند کردن نفس برای عمل به مقتضای عقل و شرع یا نسبت به آنچه عقل و شرع، اقتضای محبوس کردن نفس را از آن دارد.

مفهوم صبر در جایی صدق می‌کند که انسان در تنگنا قرار گرفته و در آن شرایط، بتواند خودنگه‌دار باشد و نفس خویش را مهار کند تا از آنچه عقل و شرع اقتضا می‌کنند، فراتر نرود. به عبارت دیگر، نفس خود را در برابر آنچه عقل و شرع خواسته‌اند، در بند کشد و بتواند آن را مهار کند.

بنابراین، در حالت آسایش و راحتی، زمینه‌ی صبر مطرح نیست؛ چون تنگنایی وجود ندارد و اقتضایی برای حبس نفس نیست. حبس نفس در جایی معنا دارد که شرایط، انسان را به سویی می‌کشاند که عقل و شرع از آن باز می‌دارند. در این حالت، «صبر» یعنی این که انسان بتواند در آن شرایط، بر نفس خود مسلط باشد و در محدوده‌ی عقل و شرع، آن را کنترل کند. این مفهوم عام صبر است که همه‌ی انواع آن را در بر می‌گیرد.

از آن جا که انسان در دنیا همیشه با انواع گرفتاری‌ها دست و پنجه نرم می‌کند و همواره درگیر و دارکشش‌های نفسانی خود است، در همه حال با حداقل یکی از انواع صبر، مواجه است.

رابطه‌ی صبر و ایمان

پیش از تشریح دقیق این معنا و تطبیق آن بر انواع صبر، خوب است نظری به جایگاه و منزلت صبر از دیدگاه پیشوایان خود بیندازیم. وجود مقدس امام صادق علیه السلام رابطه‌ی صبر و ایمان را این‌گونه تشریح فرموده‌اند:

الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ.^۲

۱. مفردات الفاظ القرآن / ۴۷۴.

۲. الکافی / ۲ / ۸۷.

بخش اول: صبر □ ۲۷

جایگاه صبر نسبت به ایمان، مانند سر است نسبت به بدن. هرگاه سر برود، بدن هم می‌رود؛ هم‌چنین هرگاه صبر برود، ایمان هم می‌رود. وقتی سر از بدن جدا شود، بدن باقی نمی‌ماند و از بین می‌رود. بقا و حیات بدن به سر است. بدن بدون سر، نمی‌ماند. صبر هم برای ایمان، حکم سر را برای بدن دارد؛ حیات و بقای ایمان به بودن صبر است. اگر صبر نباشد، ایمان باقی نمی‌ماند. نظیر همین بیان نورانی از حضرت زین العابدین علیه السلام نیز نقل شده است:

الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ.^۱

صبر نسبت به ایمان، به منزله‌ی سر است نسبت به بدن و هر کس صبر ندارد، ایمان هم ندارد.

از این بیانات، اهمیّت و جایگاه صبر کاملاً روشن می‌شود و می‌توان فهمید که اصل دین‌داری، منوط به داشتن صبر است. از امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره چنین نقل شده است:

أَيُّهَا النَّاسُ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ لَا دِينَ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ.^۲

ای مردم! بر شما باد به صبر کردن؛ زیرا کسی که صبر ندارد، دین هم ندارد. برای تبیین رابطه‌ی صبر با اصل دین، باید ابتدا انواع و درجات صبر را مطابق آنچه در فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده، بدانیم. سپس مفهوم دقیق صبر را در هر یک از آن انواع روشن کنیم تا معلوم شود «چرا کسی که صبر ندارد، دین ندارد و اگر صبر از کف برود، ایمان هم از دست خواهد رفت؟».

انواع و درجات صبر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انواع و درجات صبر را این‌گونه معرفی فرموده‌اند:

الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ

۱. الکافی / ۲ / ۸۹.

۲. جامع الاخبار / ۱۱۶.



الْمَعْصِيَةِ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمُصِيبَةِ حَتَّى يَرُدَّهَا بِحُسْنِ عَزَائِهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ
ثَلَاثِمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ
وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى الطَّاعَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتِّمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى
الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَحُومِ الْأَرْضِ إِلَى الْعَرْشِ وَ مَنْ صَبَرَ عَنِ الْمَعْصِيَةِ
كَتَبَ اللَّهُ لَهُ تِسْعِمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَحُومِ
الْأَرْضِ إِلَى مُنْتَهَى الْعَرْشِ.^۱

صبر سه نوع است: صبر در هنگام مصیبت و صبر بر طاعت و صبر در برابر گناه. هر کس بر مصیبت صبر کند تا آن که مصیبت را با شکیبایی شایسته‌ی آن بازگرداند، خداوند برایش سیصد درجه می‌نویسد که میان هر درجه تا درجه‌ی دیگر به اندازه‌ی فاصله‌ی میان آسمان تا زمین است و هر کس بر [انجام دادن] طاعت صبر کند، خداوند برایش ششصد درجه می‌نگارد که میان هر درجه تا درجه‌ی دیگر، به اندازه‌ی میان حدود زمین تا عرش فاصله است و هر کس در برابر گناه صبر کند، خداوند برایش نُهصد درجه می‌نویسد که میان هر درجه تا درجه‌ی دیگر، مانند فاصله‌ی حدود زمین تا بالاترین نقطه‌ی عرش است.

از این فرمایش نورانی، هم انواع صبر و هم درجات آن فهمیده می‌شود. درجه‌ی اوّل، صبر در مصیبت، درجه‌ی بعد، صبر بر انجام دادن طاعت و بالاترین درجه‌ی صبر، در برابر معصیت است. دومی از اوّلی مهم‌تر و سومی هم از دومی مهم‌تر است و هر چه مهم‌تر می‌شود، فضیلت آن هم بیش‌تر می‌شود.

مفهوم کلی صبر در همه‌ی این‌ها صدق می‌کند؛ «حبس نفس» و «خودنگه‌داری در تنگنا» هم در هنگام مصیبت معنا دار است، هم در پایداری و استقامت بر انجام دادن طاعت و هم در خویشتن‌داری در برابر معصیت.

این سه نوع صبر بایک‌دیگر تداخل هم دارند؛ مثلاً در هنگام نزول بلا یا، انسان هم باید بر خودش مسلط باشد و جزع و بی‌تابی نکند، هم بتواند از مسیر طاعت الهی



خارج نشود و هم خودنگه دار باشد که به معصیت نیفتند. روشن است که هر سه درجه‌ی صبر با تحمّل سختی و رنج همراه است و از طرفی زندگی ما انسان‌ها همواره با این موارد درگیر است. دنیای هر کس پُر از گرفتاری و بلاست و همگان با سختی‌ها و ناملازمات، دست و پنجه نرم می‌کنند. از سوی دیگر، همه‌ی ما همواره در معرض انجام طاعت و پرهیز از معصیت قرار داریم. اگر انسان بتواند در همه‌ی این حالات، نفس خود را در چهارچوب عقل و شرع، محبوس نگه دارد و مرزها را در هم نشکند، می‌تواند دین خود را حفظ کند؛ ولی اگر نتواند خویشتن‌داری کند و به نوعی مرزشکنی کند، ایمانش لطمه می‌خورد و دینش آسیب می‌بیند.

گرفتاری و آسایش نداشتن در دنیا

امیرالمؤمنین علیه السلام در معرفی دنیا چنین می‌فرماید:

دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوقَةٌ^۱

خانه‌ای که با گرفتاری، احاطه شده است.

همه‌جای دنیا و همه‌چیز آن، با گرفتاری و بلا، همراه و عجین است و هیچ‌جا آسایش و راحتی محض یافت نمی‌شود. به فرمایش امام زین‌العابدین علیه السلام:

الرَّاحَةُ لَمْ تُخْلَقْ فِي الدُّنْيَا وَلَا لِأَهْلِ الدُّنْيَا إِنَّمَا خُلِقَتِ الرَّاحَةُ
فِي الْجَنَّةِ وَ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ وَ التَّعَبُ وَ النَّصَبُ خُلِقَا فِي الدُّنْيَا وَ لِأَهْلِ
الدُّنْيَا.^۲

آسایش در دنیا و برای اهل دنیا آفریده نشده است. آسایش فقط در بهشت و برای اهل بهشت آفریده شده و رنج و گرفتاری در دنیا و برای اهل دنیا آفریده شده است.

در دنیا به دنبال آسایش مطلق نباید گشت. اگر هم آسایشی یافت شود، خالص و

۱. نهج‌البلاغه / خ ۲۲۶.

۲. الخصال / ۱ / ۶۴.

دائمی نیست؛ بلکه همیشه با گرفتاری و رنج عجین است. راحتی محض و بی‌دغدغه در دنیا یافت نمی‌شود؛ همیشه راحتی‌ها با ناراحتی همراه است. هم‌چنین راحتی‌ها همیشه موقتی است و دوام ندارد. به‌طور کلی، راحتی و آسایش مطلق و همیشگی، هیچ‌گاه در دنیا حاصل نمی‌شود. این است که همیشه انسان‌ها با سختی و گرفتاری دست به‌گریبان‌اند و باید به‌صورتی با آن‌ها کنار بیایند که از مرز عقل و شرع فراتر نروند.

عاقبت به خیری فقط با صبر

از سوی دیگر، استقامت و پایداری در راه انجام طاعات و پرهیز از معاصی، همیشه با مخالفت با هوای نفس و ایستادگی در برابر شهوات آن، همراه است. لذا عاقبت به خیری و بهشتی شدن، بدون تحمل سختی‌ها و رنج‌ها میسر نمی‌شود؛ در حالی که لذت‌طلبی و شهوت‌خواهی، نتیجه‌ای جز سوء عاقبت و جهنمی شدن ندارد و این است سرّ فرمایش امام باقر علیه السلام که فرمودند:

الْجَنَّةُ مَخْضُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالصَّبْرُ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا
دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ جَهَنَّمَ مَخْضُوفَةٌ بِاللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ فَمَنْ أُعْطِيَ نَفْسَهُ
لَذَّتَهَا وَ شَهْوَتَهَا دَخَلَ النَّارَ.^۱

بهشت با سختی‌ها و صبر، احاطه شده است. پس هر که بر سختی‌ها در دنیا صبوری کند، وارد بهشت می‌شود و جهنم با لذت‌ها و شهوات احاطه شده است. پس هر که لذت و شهوت نفس خود را برآورد، وارد آتش می‌شود.

«احاطه شدن بهشت با سختی‌ها و صبر» یعنی این که جز با تحمل رنج و سختی و صبر کردن، نمی‌توان به آن دست یافت و «احاطه شدن جهنم با لذت و شهوت» به این معناست که اجابت خواهش‌های نفسانی، نتیجه‌ای جز ورود در دوزخ ندارد. این جاست که ارزش «صبر» به‌عنوان تنها راه نجات انسان و تنها مسیر بهشتی شدن و تنها طریق خلاصی از جهنم، روشن می‌شود.



هدیه‌ی خداوند برای حبیب خود

بی دلیل نیست که خدای متعال وقتی می خواهد برای تنها حبیب خود، حضرت خاتم الانبیا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، هدیه‌ای گران بها بفرستد، جبرئیل امین را نازل می کند که با حبیب خدا، این گونه سخن بگوید:

يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَرْسَلَنِي إِلَيْكَ بِهَدِيَّةٍ لَمْ يُعْطِهَا أَحَدًا قَبْلَكَ.^۱

ای رسول خدا! همانا خداوند تبارک و تعالی مرا با هدیه‌ای به سوی شما فرستاده که آن را به هیچ کس قبل از شما نداده است.

این بیان نشان می دهد که این هدیه، تحفه‌ای بسیار ارزشمند است که خدا قبل از خاتم انبیا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به هیچ کس حتی پیامبران اولوالعزم عَلَيْهِمُ السَّلَام خود نداده است. این هدیه به حبیب خدا اختصاص دارد که در مورد او در زیارت آل یس چنین می خوانیم:

لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلُهُ.^۲

محبوبی جز او و اهلش نیست.

تنها محبوب خدا، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت ایشانند؛ نه این که خدا کس دیگری را دوست ندارد؛ بلکه اگر کس دیگری را دوست داشته باشد، به خاطر محبت به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و عترت ایشان است. خداوند، تنها کسانی را دوست دارد که این ذوات مقدس را دوست دارند.

روشن است که وقتی خدا بخواهد برای چنین محبوبی هدیه‌ای بفرستد، آن هدیه، بسیار بسیار گران بها و ارزشمند است و باید چیزی درخور مقام آن بزرگوار باشد. این هدیه نباید از مقوله‌ی امور مادی و دنیوی باشد؛ بلکه علی القاعده همان چیزی است که عاقبت به خیری و بهشتی شدن را تضمین می کند و آن، چیزی جز تحفه‌ی ارزشمند «صبر» نیست.

۱. معانی الاخبار / ۲۶۰.

۲. الاحتجاج / ۲ / ۴۹۴.

جبرئیل در پاسخ به پرسش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که: «آن هدیه چیست؟» عرض می کند:

الصَّبْرُ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ^۱.

صبر و نیکوتر از آن.

در بخش بعدی روشن می شود که نیکوتر از صبر، «رضا»ست که مرتبه ای بالاتر از صبر است.

تفسیر جبرئیل از صبر

سپس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تفسیر صبر را از جبرئیل می پرسند و او چنین پاسخ می دهد:

تَصْبِرُ فِي الضَّرَاءِ كَمَا تَصْبِرُ فِي السَّرَاءِ وَ فِي الْفَاقَةِ كَمَا تَصْبِرُ فِي الْغِنَى

وَ فِي الْبَلَاءِ كَمَا تَصْبِرُ فِي الْعَافِيَةِ^۲.

در سختی همان گونه صبر داشته باشی که در خوش حالی و در نیازمندی همان گونه صبر کنی که در بی نیازی و در گرفتاری آن گونه صبر کنی که در عافیت.

آن چه حضرت جبرئیل از طرف خدا به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرضه می دارد، بسیار دقیق و زیباست. حال «ضراء» باهنگام «سراء» مقایسه شده است. «سراء» زمان خوش حالی و نشاط و شادابی است. در این حال، انسان اگر گرفتار غفلت نشود، بسیار شاکر و قدر دان است و از هیچ چیز نمی نالد و شکایتی ندارد. اگر انسان بتواند در حال «ضراء» هم این گونه باشد، به زیور صبر آراسته شده است. ضراء حال سختی و گرفتاری و ناملایمت است؛ حالتی که باب میل انسان نیست؛ بلکه با درد و رنج همراه است.

اگر کسی در این حال مانند زمان خوشی و خوش گذرانی، شاکر و قدر دان الطاف الهی باشد و هیچ گله و شکایتی به درگاه او یا نزد دیگران نداشته باشد، اهل صبر است. هم چنین است در حال نیاز و تنگ دستی که اگر بتواند حال زمان بی نیازی خود را داشته باشد، به صفت زیبای «صبر» متصف خواهد بود. در حال بی نیازی به طور

۱. معانی الاخبار / ۲۶۰.

۲. وسائل الشیعة / ۱۵ / ۱۹۴ به نقل از معانی الاخبار.



معمول کسی از چیزی نمی‌نالند و به اصطلاح غُر نمی‌زنند. بلکه راحت و ساده با ثروت و بی‌نیازی کنار می‌آید و اگر نیازی نداشته باشد، به لطف و عنایت الهی اگر به حرص و رزیدن نیفتد، خود را به گناه آلوده نمی‌کند؛ مثلاً دست به دزدی و خیانت نمی‌زند؛ چون نیازی به این کار ندارد و آن چه می‌خواهد، برایش فراهم است. حال اگر در هنگام نیازمندی و بیچارگی هم بتواند خودش را حفظ کند، یعنی نه از فقر و بیچارگی اش بنالد و نه کنترل و مهار نفس خود را از دست بدهد و به گناه و زیر پا گذاشتن طاعت الهی دست بزند، اهل صبر خواهد بود.

حال بلا و عافیت نیز چنین است. در حال عافیت هیچ کس شکوه و گلایه‌ای ندارد و اگر به حال خود رها نشود، دست به ارتکاب گناه نمی‌زند و طاعت خدا را زیر پا نمی‌گذارد. اگر در حال بلا و گرفتاری نیز بتواند نفس خود را مانند حال عافیت، مهار بزند و تحت کنترل بگیرد، «صبر» محقق می‌شود.

می‌بینیم که این بیان جناب جبرئیل بر سه قسم صبر صدق می‌کند و به دقیق‌ترین وجهی معنای آن را می‌رساند.

البته ناگفته نماند که همه‌ی ما وجداناً بین حال خوشی و ناخوشی، بی‌نیازی و نیازمندی، عافیت و بلا فرق می‌گذاریم و می‌دانیم که حال ما در این حالات مختلف، یکسان نیست. اما ملاک صبوری این است که انسان در حال نیازمندی بر خود تسلط داشته باشد، همان‌گونه که در حال بی‌نیازی بر خود مسلط می‌باشد. نیز در مواجهه با گرفتاری و ندهد و خود را نبازد، همان‌طور که در حال عافیت، چنین نمی‌کند.

بنابراین هر چند در این حالات متضاد، میزان تحمّل انسان یکسان نیست، اما حداقل حدّی که باید در همه‌ی این احوال حفظ شود، همان مفهوم صبر، یعنی کنترل کردن و مهار نفس در چارچوب عقل و شرع می‌باشد.

